

## فهرست مطالب

۱۷	سخن ناشر.....
۱۹	پیشگفتار.....
۲۵	فصل اول: کلیات.....
۲۵	مقدمه.....
۲۵	۱. بررسی دیدگاه‌ها.....
۴۲	۲. رویکردی نوین.....
۴۳	۳. تعدد روش‌شناختی پژوهش‌های کیفی.....
۴۴	۳-۱. روش تحقیق.....
۴۸	۳-۲. روش گردآوری.....
۴۸	۳-۲-۱. کتابخانه‌ای و اسنادی.....
۴۹	۳-۲-۲. مصاحبه عمیق.....
۵۰	الف. تعیین نوع مصاحبه.....
۵۱	ب. تعیین روش نمونه‌گیری و گزینش افراد.....
۵۵	۳-۳. روش تحلیل.....
۵۶	۳-۳-۱. روش اجتهادی-فقهی.....
۶۱	۳-۳-۲. تحلیل محتوا.....
۶۴	۳-۳-۳. روش طراحی الگوی مطلوب.....
۶۴	الف. طراحی و تدوین مسئله پژوهش.....
۶۴	ب. بررسی وضعیت موجود.....
۶۵	ج. مرور تجارب قبلی.....
۶۵	د. تدوین ارزش‌های ورودی.....
۶۶	هـ. ارائه الگوی مطلوب.....
۶۸	جمع‌بندی.....

۷۱	فصل دوم: چارچوب مفهومی و نظری
۷۱	مقدمه
۷۱	۱. مفاهیم پایه
۷۱	۱-۱. منافع ملی
۷۲	۱-۱-۱. مفهوم‌شناسی
۷۵	۱-۱-۲. تاریخچه مفهوم منافع ملی
۷۶	۱-۱-۳. کاربردهای مفهوم منافع ملی
۷۷	۱-۱-۴. دیدگاه‌های منافع ملی
۷۷	۱-۱-۴-۱. رویکرد بیرون‌گرا
۷۷	۱-۱-۴-۲. رویکرد درون‌گرا
۷۸	الف. دیدگاه آرمان‌گرایی
۸۰	ب. دیدگاه واقع‌گرایی
۸۱	ج. دیدگاه‌های جایگزین
۸۲	۱-۱-۵. انواع منافع ملی
۸۴	۱-۱-۶. تعریف مختار و عملیاتی
۸۵	۱-۲. مبانی اسلامی
۹۱	۱-۳. سیاست خارجی
۹۲	۱-۳-۱. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی
۹۳	۱-۳-۲. تحلیل سیاست خارجی
۹۵	۱-۳-۳. ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی
۹۷	۱-۴. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۰۱	۱-۴-۱. تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۰۲	۱-۴-۲. رویکردها و گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۱۱	۱-۴-۳. ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۱۶	۱-۵. ایدئولوژی
۱۱۸	۱-۶. الگو
۱۲۰	۱-۶-۱. تعریف مختار: نظریه - مدل
۱۲۰	۱-۶-۲. کارکردهای الگو
۱۲۲	۲. چارچوب نظری
۱۲۴	۲-۱. سازه‌نگاری
۱۲۶	۲-۱-۱. هویت
۱۲۸	۲-۲. اسلام و سیاست
۱۳۱	جمع‌بندی

فصل سوم: تبیین قرآنی نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی .....	۱۳۵
مقدمه .....	۱۳۵
۱. رویکرد معناشناسانه .....	۱۳۶
۲. منفعت .....	۱۳۷
۲-۱. تبیین لغوی .....	۱۳۷
۲-۲. تبیین معناشناسانه .....	۱۳۸
۲-۳. تبیین آیات .....	۱۴۰
۲-۴. جمع‌بندی معنای قرآنی منفعت .....	۱۷۶
۲-۴-۱. نفع مفهوم مخالف ضرر .....	۱۷۶
۲-۴-۲. مالکیت حقیقی شرط توان جلب نفع حقیقی .....	۱۷۷
۲-۴-۳. نفع به معنی خیر .....	۱۷۸
۲-۴-۴. نفع به معنی حق .....	۱۷۹
۲-۴-۵. مصادیق و کاربردهای نفع .....	۱۸۰
الف. مطلق نفع .....	۱۸۰
ب. منافع اخروی .....	۱۸۰
ج. منافع دنیوی .....	۱۸۰
۲-۴-۶. ابزارهای جلب نفع .....	۱۸۱
۲-۴-۷. پرستش‌های نافع و غیر نافع .....	۱۸۲
۲-۴-۸. منافع عمومی .....	۱۸۳
۲-۴-۹. موانع بهره‌مندی از منافع .....	۱۸۴
۲-۴-۱۰. منافع اعتباری دنیا، غیر نافع در آخرت .....	۱۸۴
۲-۴-۱۱. سبیل منفعت .....	۱۸۵
۲-۴-۱۲. تلاش دنیایی و نفع آخرتی .....	۱۸۵
۲-۴-۱۳. پایداری و ثبات ملاک امر نافع .....	۱۸۶
۲-۴-۱۴. تقدم منافع اخروی بر منافع دنیوی .....	۱۸۶
۲-۴-۱۵. توجه به ذات منفعت طلب انسان .....	۱۸۶
۲-۴-۱۶. امر به انجام امور نافع و منع از امر غیر نافع .....	۱۸۷
۲-۴-۱۷. رویکردی محاسبه‌گرایانه در منافع .....	۱۸۷
۲-۴-۱۸. ناتوانی انسان در پیش‌بینی منافع .....	۱۸۷
۲-۴-۱۹. تعلیم جلب منفعت .....	۱۸۷
۲-۵. مقولات قرآنی منفعت .....	۱۸۷
۳. ملیت .....	۱۹۰
۳-۱. تبیین لغوی و اصطلاحی .....	۱۹۱

۱۹۴	۳-۲. تبیین معناشناسانه .....
۱۹۵	۳-۲-۱. امت .....
۲۰۶	۳-۲-۲. دیار .....
۲۱۱	۳-۲-۳. قوم .....
۲۱۴	۳-۲-۴. قریه .....
۲۱۶	۳-۲-۵. طائفه .....
۲۱۸	۳-۲-۶. ناس .....
۲۲۱	۳-۲-۷. عشیره .....
۲۲۱	۳-۲-۸. قبیله .....
۲۲۲	۳-۲-۹. شعب .....
۲۲۲	۳-۳. جمع‌بندی معنایی ملیت .....
۲۲۳	۳-۳-۱. مرزبندی اجتماعی امری اقتضائی .....
۲۲۴	۳-۳-۲. اصالت مرزبندی عقیدتی .....
۲۲۴	الف. نهی از «ولی» قرار دادن غیر .....
۲۲۴	ب. نهی از «وُلُوج» غیر .....
۲۲۵	ج. نهی از «بِطَّانَه» غیر .....
۲۲۵	د. نهی از «شِرَاکَت» با غیر .....
۲۲۵	هـ. نهی از «نِد» قرار دادن غیر .....
۲۲۵	۳-۳-۳. اصالت زندگی اجتماعی .....
۲۲۶	۳-۳-۴. اصالت وحدت جامعه انسانی .....
۲۲۶	۳-۳-۵. اصالت ارزش وطن .....
۲۲۷	جمع‌بندی .....
۲۳۳	فصل چهارم: تبیین فقهی نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی .....
۲۳۳	مقدمه .....
۲۳۷	۱. اصل مصلحت .....
۲۳۷	۱-۱. تعریف لغوی .....
۲۳۸	۱-۲. تعریف اصطلاحی .....
۲۳۹	۱-۳. انواع مصلحت در فقه .....
۲۴۲	۲. وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال نظام .....
۲۴۲	۲-۱. ادله قاعده .....
۲۴۲	۲-۱-۱. اجماع .....
۲۴۳	۲-۱-۲. عقل .....
۲۴۳	۲-۱-۳. سنت .....

۲۴۴	۲-۱-۴. سیره قطعیه عقلاء
۲۴۴	۲-۲. کاریست قاعده
۲۴۴	۲-۲-۱. ضرورت تشکیل حکومت
۲۴۵	۲-۲-۲. مشروعیت قضاوت
۲۴۵	۳. عدالت
۲۴۶	۳-۱. کاریست عدالت در فقه
۲۴۹	۳-۲. ادله قاعده عدالت
۲۴۹	۳-۲-۱. آیات قرآن کریم
۲۵۰	۳-۲-۲. سنت
۲۵۱	۳-۲-۳. عقل
۲۵۲	۳-۲-۴. اجماع
۲۵۲	۴. قاعده نفی سبیل
۲۵۲	۴-۱. ادله قاعده نفی سبیل
۲۵۳	۴-۱-۱. قرآن کریم
۲۵۴	۴-۱-۲. روایت
۲۵۴	۴-۱-۳. اجماع
۲۵۴	۴-۲. کاریست قاعده نفی سبیل
۲۵۶	۵. احکام شرعی
۲۵۹	۶. قواعد فقهی و منفعت
۲۶۱	۷. ملیت در چارچوب فقه
۲۶۳	۷-۱. اصالت وحدت
۲۶۵	۷-۲. وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت
۲۶۶	الف. اصالت وجود
۲۶۸	ب. تشکیک در وجود
۲۶۸	ج. وجود حق تعالی تنها وجود حقیقی و اصیل
۲۶۸	د. حقایق امکانی تکثر واقعی و اصیل
۲۶۹	۷-۲-۱. امت واحد و ملت های متکثر اسلام
۲۷۰	۷-۳. اقتضانات زمان و مکان
۲۷۱	۷-۳-۱. سیره و بناء عقلاء
۲۷۳	۷-۳-۲. سیره معصومین در دفاع از مرزهای اسلامی
۲۷۵	۷-۳-۳. منطقه الفراغ
۲۷۶	۷-۳-۴. تفکیک حوزه معاملات از عبادات
۲۷۷	۷-۳-۵. قواعد تعدیل کننده

۲۷۸	۷-۴. حاکمیت اصول عقلانی
۲۷۹	۷-۴-۱. ضرورت
۲۸۰	۷-۴-۲. قاعده میسور
۲۸۱	۷-۴-۳. الأهم فالأهم
۲۸۲	۸. تلاش‌های فقهی پذیرش دولت-ملت
۲۸۲	۸-۱. وکالت مالکان شخصی مشاع
۲۸۳	۸-۲. تعدد جواز دولت اسلامی
۲۸۴	جمع‌بندی
۲۸۹	فصل پنجم: نسبت عملی منافع ملی و مبانی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۲۸۹	مقدمه
۲۹۰	۱. مصاحبه‌شوندگان
۲۹۲	۲. فرایند مصاحبه: مدت زمان، مکان، تاریخ مصاحبه‌ها، تعداد جلسات
۲۹۳	۳. چستی منافع ملی در جمهوری اسلامی
۲۹۳	۳-۱. مفهوم منافع ملی در جمهوری اسلامی
۲۹۴	۳-۲. اصول طراحی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران
۲۹۷	۳-۳. سطح‌بندی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران
۲۹۸	۳-۴. مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی
۳۰۳	۴. جایگاه مبانی اسلامی در سیاست خارجی
۳۰۸	۵. نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی در عمل
۳۰۸	۵-۱. اتفاق در مقام نظر
۳۰۸	۵-۲. نسبت عاقلانه منافع ملی و مبانی اسلامی
۳۰۹	۵-۳. دشواری در تعیین مصادیق (تراحم ظاهری)
۳۱۱	۵-۴. تطابق منافع ملی و مبانی اسلامی در مقام تجربه
۳۱۱	۵-۴-۱. تأمین بلندمدت منافع ملی بر اساس رویکرد اسلامی
۳۱۲	۵-۴-۲. پایبندی به تقیدات شرعی ظاهری و تأمین منافع ملی
۳۱۴	۵-۴-۳. منطق اسلامی تأمین‌کننده منافع ملی
۳۱۴	۵-۴-۴. ایستادگی و استقامت بر ارزش‌ها تأمین‌کننده منافع ملی
۳۱۵	۶. فاصله از نقطه مطلوب
۳۱۶	۷. امت و ملت
۳۱۶	۷-۱. تعادل و تعامل امت و ملت
۳۱۷	۷-۲. امت‌گرایی و تأمین منافع ملی
۳۱۹	۷-۳. نظریه ام‌القرا و حاکمیت منافع ملی حیاتی
۳۱۹	۸. فهم کارگزاران از نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی

۳۲۲	۹. ساختار سیاست خارجی و نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی
۳۲۴	۱۰. نسبت مطلوب منافع ملی و مبانی اسلامی
۳۲۴	۱۰-۱. وحدت منافع ملی و مبانی اسلامی
۳۲۶	۱۰-۲. آرمان‌خواهی در عین واقع‌بینی
۳۲۷	۱۰-۳. تعادل، تناسب، توازن
۳۲۹	۱۰-۴. اولویت منافع ام‌القرآ - حفظ نظام
۳۳۰	۱۰-۵. رعایت مصلحت
۳۳۲	۱۱. راهکار رسیدن به نسبت مطلوب
۳۳۲	۱۱-۱. نظری و اندیشه‌ای
۳۳۲	۱۱-۱-۱. توجه به ضرورت الگوسازی
۳۳۳	۱۱-۱-۲. بهره‌گیری از نظریه ام‌القرآ
۳۳۳	۱۱-۱-۳. حاکمیت رویکرد جبهه‌ای
۳۳۳	۱۱-۱-۴. بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظری اسلامی و بومی
۳۳۴	۱۱-۲. آموزشی
۳۳۴	۱۱-۳. ساختاری
۳۳۴	۱۱-۳-۱. بازنگری در وزارت امور خارجه
۳۳۵	۱۱-۳-۲. اصلاح ساختار کلان سیاست خارجی
۳۳۵	۱۱-۳-۳. رعایت سلسله‌مراتب مدیریتی در سیاست خارجی
۳۳۶	۱۱-۳-۴. نظارت
۳۳۶	۱۱-۳-۵. تقویت کمی ساختار سیاست خارجی
۳۳۶	۱۱-۴. کارگزاری
۳۳۶	۱۱-۴-۱. آموزش مهارت‌های اختصاصی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۳۳۷	۱۱-۴-۲. لزوم باور و یقین به آرمان‌ها
۳۳۷	۱۱-۴-۳. گزینش
۳۳۷	۱۱-۴-۴. عدم وابستگی سیاسی
۳۳۸	۱۱-۵. رفتاری
۳۳۸	۱۱-۵-۱. افزایش قدرت تحمل
۳۳۸	۱۱-۵-۲. تأکید بر مشترکات
۳۳۹	۱۱-۵-۳. رعایت ادب و اخلاق اسلامی
۳۳۹	جمع‌بندی
۳۴۵	فصل ششم: ارائه الگوی مطلوب
۳۴۵	مقدمه
۳۴۷	۱. بررسی وضعیت موجود

۳۴۷	۱-۱. وضعیت موجود (نظری).....
۳۴۸	۱-۲. مرور تجارب قبلی (عملی).....
۳۴۹	۱-۳. تدوین ارزش‌های ورودی.....
۳۵۰	۱-۳-۱. قرآن کریم.....
۳۵۱	۱-۳-۲. فقه.....
۳۵۳	۱-۳-۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۳۵۳	الف. اصل سه.....
۳۵۴	ب. اصل یازده.....
۳۵۴	ج. اصل یکصد و پنجاه و دو.....
۳۵۴	د. اصل یکصد و پنجاه و سه.....
۳۵۵	ه. اصل یکصد و پنجاه و چهار.....
۳۵۵	و. اصل یکصد و هفتاد و شش.....
۳۵۶	۱-۳-۴. اندیشه رهبران.....
۳۵۶	الف. امام خمینی (علیه السلام).....
۳۶۴	ب. مقام معظم رهبری.....
۳۷۲	۲. الگوی مطلوب.....
۳۷۲	۲-۱. اصالت منفعت و منفعت‌طلبی.....
۳۷۳	۲-۲. پذیرش اقتضائی ملیت و منافع در قواره‌ای ملی.....
۳۷۳	۲-۳. حاکمیت ارزش‌های اسلامی بر منافع ملی.....
۳۷۴	۲-۴. لزوم بازتعریف منافع ملی در نظریه - مدل مطلوب.....
۳۷۵	۲-۵. بازاندیشی در مبانی اسلامی.....
۳۷۷	۲-۶. بازتعریف و سطح‌بندی منافع ملی در رویکرد اسلامی.....
۳۷۹	۲-۷. نسبت‌سنجی ماتریسی.....
۳۸۳	جمع‌بندی.....
۳۸۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۳۸۷	خلاصه و نتایج.....
۴۰۷	پیوست‌ها.....
۴۰۷	۱. سؤالات مصاحبه با نخبگان اجرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
۴۰۸	۲. درخواست مشورت با نخبگان قرآنی.....
۴۱۱	منابع و مأخذ.....
۴۲۷	نمایه.....

### فهرست شکل‌ها و نمودارها

نمودار شماره ۱: نهادهای مورد مصاحبه	۵۴
نمودار شماره ۲: فرایند تحلیل محتوا	۶۲
نمودار شماره ۳: فرایند حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب	۶۷
نمودار شماره ۴: فرایند حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و وضعیت آرمانی	۶۷
شکل شماره ۱: تلفیق روش‌های طراحی الگوی مطلوب	۶۸
شکل شماره ۲: نسبت دستورات و احکام اسلامی	۹۰
شکل شماره ۳: مهم‌ترین شاخصه‌های تغییر گفتمان در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی	۱۰۰
نمودار شماره ۵: چرخه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۱۱۶
نمودار شماره ۶: ساختار واژه نفع در قرآن کریم	۱۳۹
شکل شماره ۴: جمع‌بندی مقولات قرآنی پیرامون مفهوم منفعت	۱۹۰
شکل شماره ۵: منافع و مرزبندی ملی در دولت قرآنی	۲۳۱
نمودار شماره ۷: جلب منفعت در چارچوب قواعد عام فقهی	۲۶۱
نمودار شماره ۸: مبانی فهم اقتضاء زمان و مکان پیرامون ملت	۲۷۸
نمودار شماره ۹: عقلانیت اسلامی در پذیرش اولیه مرز و ملیت	۲۸۲
نمودار شماره ۱۰: سطوح پیگیری منافع ملی	۲۹۸
نمودار شماره ۱۱: تعامل دو مفهوم امت و ملت	۳۱۷
نمودار شماره ۱۲: نسبت منافع ام‌القرا و منافع جهان اسلام	۳۳۰
نمودار شماره ۱۳: اصول تبیین الگوی مطلوب منافع ملی و مبانی اسلامی	۳۳۱
نمودار شماره ۱۴: مدل طراحی ارائه الگوی مطلوب	۳۴۶
نمودار شماره ۱۵: مؤلفه‌های منافع ملی در سیاست خارجی امام خمینی (ره)	۳۶۲
نمودار شماره ۱۶: عناصر هویت ملی از منظر مقام معظم رهبری	۳۶۹
نمودار شماره ۱۷: الگوی مطلوب نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی	۳۷۵
نمودار شماره ۱۸: نسبت احکام و دستورات اسلامی	۳۷۷
نمودار شماره ۲۰: سطوح و انواع منافع ملی	۳۷۹
نمودار شماره ۲۱: نسبت سطوح منافع ملی و انواع دستورات و احکام اسلامی	۳۸۰

### فهرست جداول

جدول شماره ۱: روش‌شناسی پژوهش در طراحی الگوی مطلوب	۶۸
جدول شماره ۲: کاربردهای اسمی مصدر نفع	۱۳۹
جدول شماره ۳: کاربردهای فعلی مصدر نفع	۱۳۹
جدول شماره ۴: ساخت معنایی آیه ۱۰۲ سوره بقره	۱۴۲
جدول شماره ۵: ساخت معنایی آیه ۱۲۳ سوره بقره	۱۴۳

۱۴۴.....	جدول شماره ۶: ساخت معنایی آیه ۱۶۴ سوره بقره.....
۱۴۵.....	جدول شماره ۷: ساخت معنایی آیه ۲۱۹ سوره بقره.....
۱۴۶.....	جدول شماره ۸: ساخت معنایی آیه ۱۱ سوره نساء.....
۱۴۷.....	جدول شماره ۹: ساخت معنایی آیه ۷۶ سوره مائده.....
۱۴۷.....	جدول شماره ۱۰: ساخت معنایی آیه ۱۱۹ سوره مائده.....
۱۴۸.....	جدول شماره ۱۱: ساخت معنایی آیه ۷۱ سوره انعام.....
۱۴۹.....	جدول شماره ۱۲: ساخت معنایی آیه ۱۵۸ سوره انعام.....
۱۵۰.....	جدول شماره ۱۳: ساخت معنایی آیه ۱۸۸ سوره اعراف.....
۱۵۱.....	جدول شماره ۱۴: ساخت معنایی آیه ۱۸ سوره یونس.....
۱۵۲.....	جدول شماره ۱۵: ساخت معنایی آیه ۴۹ سوره یونس.....
۱۵۲.....	جدول شماره ۱۶: ساخت معنایی آیه ۹۸ سوره یونس.....
۱۵۳.....	جدول شماره ۱۷: ساخت معنایی آیه ۱۰۶ سوره یونس.....
۱۵۴.....	جدول شماره ۱۸: ساخت معنایی آیه ۳۴ سوره هود.....
۱۵۴.....	جدول شماره ۱۹: ساخت معنایی آیه ۲۱ سوره یوسف.....
۱۵۵.....	جدول شماره ۲۰: ساخت معنایی آیه ۱۶ سوره رعد.....
۱۵۶.....	جدول شماره ۲۱: ساخت معنایی آیه ۱۷ سوره رعد.....
۱۵۷.....	جدول شماره ۲۲: ساخت معنایی آیه ۵ سوره نحل.....
۱۵۷.....	جدول شماره ۲۳: ساخت معنایی آیه ۸۹ سوره طه.....
۱۵۸.....	جدول شماره ۲۴: ساخت معنایی آیه ۱۰۹ سوره طه.....
۱۵۸.....	جدول شماره ۲۵: ساخت معنایی آیه ۶۶ سوره انبیاء.....
۱۵۹.....	جدول شماره ۲۶: ساخت معنایی آیه ۱۲ سوره حج.....
۱۶۰.....	جدول شماره ۲۷: ساخت معنایی آیه ۱۳ سوره حج.....
۱۶۱.....	جدول شماره ۲۸: ساخت معنایی آیه ۲۸ سوره حج.....
۱۶۱.....	جدول شماره ۲۹: ساخت معنایی آیه ۳۳ سوره حج.....
۱۶۲.....	جدول شماره ۳۰: ساخت معنایی آیه ۲۱ سوره مؤمنون.....
۱۶۲.....	جدول شماره ۳۱: ساخت معنایی آیه ۳ سوره فرقان.....
۱۶۳.....	جدول شماره ۳۲: ساخت معنایی آیه ۵۵ سوره فرقان.....
۱۶۴.....	جدول شماره ۳۳: ساخت معنایی آیه ۷۳ سوره شعراء.....
۱۶۵.....	جدول شماره ۳۴: ساخت معنایی آیه ۸۸ سوره شعراء.....
۱۶۵.....	جدول شماره ۳۵: ساخت معنایی آیه ۹ سوره قصص.....
۱۶۶.....	جدول شماره ۳۶: ساخت معنایی آیه ۵۷ سوره روم.....
۱۶۶.....	جدول شماره ۳۷: ساخت معنایی آیه ۲۹ سوره سجده.....
۱۶۷.....	جدول شماره ۳۸: ساخت معنایی آیه ۱۶ سوره احزاب.....

جدول شماره ۳۹: ساخت معنایی آیه ۲۳ سوره سباء.....	۱۶۷
جدول شماره ۴۰: ساخت معنایی آیه ۴۲ سوره سباء.....	۱۶۸
جدول شماره ۴۱: ساخت معنایی آیه ۷۳ سوره یس.....	۱۶۸
جدول شماره ۴۲: ساخت معنایی آیه ۵۲ سوره غافر.....	۱۶۹
جدول شماره ۴۳: ساخت معنایی آیه ۴۰ سوره غافر.....	۱۶۹
جدول شماره ۴۴: ساخت معنایی آیه ۸۵ سوره غافر.....	۱۷۰
جدول شماره ۴۵: ساخت معنایی آیه ۳۹ سوره زخرف.....	۱۷۰
جدول شماره ۴۶: ساخت معنایی آیه ۱۱ سوره فتح.....	۱۷۱
جدول شماره ۴۷: ساخت معنایی آیه ۵۵ سوره ذاریات.....	۱۷۲
جدول شماره ۴۸: ساخت معنایی آیه ۲۵ سوره حدید.....	۱۷۳
جدول شماره ۴۹: ساخت معنایی آیه ۳ سوره ممتحنه.....	۱۷۴
جدول شماره ۵۰: ساخت معنایی آیه ۴۸ سوره مدثر.....	۱۷۴
جدول شماره ۵۱: ساخت معنایی آیه ۴ سوره عبس.....	۱۷۵
جدول شماره ۵۲: ساخت معنایی آیه ۹ سوره اعلی.....	۱۷۵
جدول شماره ۵۳: مقولات و مفاهیم قرآنی منفعت در قرآن کریم.....	۱۸۸
جدول شماره ۵۴: تحلیل معنایی مفهوم امت.....	۲۰۴
جدول شماره ۵۵: تحلیل معنایی مفهوم دیار.....	۲۱۰
جدول شماره ۵۶: تحلیل معنایی مفهوم قوم.....	۲۱۳
جدول شماره ۵۷: تحلیل معنایی مفهوم قریه.....	۲۱۶
جدول شماره ۵۸: تحلیل معنایی مفهوم طائفه.....	۲۱۸
جدول شماره ۵۹: تحلیل معنایی مفهوم ناس.....	۲۲۰
جدول شماره ۶۰: جمع‌بندی معنایی ملیت در قرآن کریم.....	۲۲۲
جدول شماره ۶۱: افراد مورد مصاحبه.....	۲۹۱
جدول شماره ۶۲: فرایند مصاحبه‌ها.....	۲۹۲
جدول شماره ۶۳: استناد بر رویکرد «ام‌القرایی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۹۵
جدول شماره ۶۴: استناد بر رویکرد «ام‌القرایی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۹۶
جدول شماره ۶۵: مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران.....	۲۹۸
جدول شماره ۶۶: پیگیری منافع بلندمدت در گفتمان دینی.....	۳۱۱
جدول شماره ۶۷: پایبندی به شریعت موجبات تأمین منافع ملی است.....	۳۱۲
جدول شماره ۶۸: پایبندی به شریعت موجبات تأمین منافع ملی است.....	۳۱۴
جدول شماره ۶۹: پایبندی به شریعت موجبات تأمین منافع ملی است.....	۳۱۵
جدول شماره ۷۰: ساختارمند عمل کردن در سیاست خارجی.....	۳۲۳
جدول شماره ۷۱: فرصت‌آفرینی ظرفیت‌های ارزشی.....	۳۲۵

۱۶ □ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (منافع ملی و اصول اسلامی)

- جدول شماره ۷۲: اصل تعادل، تناسب و توازن در سیاست خارجی ..... ۳۲۸
- جدول شماره ۷۳: رعایت سلسه مراتب و تمرکز در سیاست خارجی ..... ۳۳۵
- جدول شماره ۷۴: جایگاه اخلاق و ادب اسلامی در تأمین منافع ملی ..... ۳۳۹

## سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آن‌که ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده

است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتوانند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردند. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان‌شاءالله).

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

## پیشگفتار

---

تشکیل دولت - ملت‌ها به شکل امروزی و ایجاد یک لایه هویتی جدید به عنوان ملیت، بستری گردید برای شکل‌گیری شبکه نوینی از روابط و بازتعریف روابط سنتی بر اساس چارچوب‌های هویتی نوین. مفهوم دولت - ملت در شرایطی در مغرب زمین تکوین یافت که به صورت طبیعی و در فرایندی زمانبر بر دیگر لایه‌های هویتی غلبه کرده و اصلی‌ترین مبنای تصمیم‌گیری‌های جمعی شد. هویت دینی و کلیسایی به سبب ضعف و ناکارآمدی دستگاه دین و ناتوانی نظری و مفهومی در پی رنسانس دینی کم‌کم جای خود را به هویت‌های مدرن داده و به امری فردی و درونی تبدیل گردید که دیگر در تصمیمات اجتماعی مؤثر نبود و نیست، همچنین در مسیر تبدیل دولت‌های مطلقه به دولت‌های مدرن امروزی هویت‌های محلی، قومی، قبیله‌ای و حتی نژادی نیز کم‌رنگ گردیده و نهایتاً در چارچوب هویتی عام‌تر به نام ملیت تعریف شدند. تمامی سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی در چارچوب نوین هویت ملی و به سبب تأمین منافع ملت طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند. آنچه جهت‌گیری و هدف‌گذاری تصمیمات کلان را هدایت می‌کند «منافع ملی» (تاجیک، ۱۳۸۰: ۴۷) است که بر دیگر معیارهای تصمیم‌گیری جمعی غلبه دارد. یکی از نمادهای اساسی و بارز تصمیم‌گیری‌های کلان و جمعی که معرف تصمیم‌گیری یک واحد ملی می‌باشد، عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. ضعیف‌ترین هویت‌های دولت - ملتی در شکل‌های قانونی همچون دولت‌های فدرالی و یا در جوامع سنتی از هم گسیخته‌ای که هویت‌هایی غیرملی چون گرایشات قبیله‌ای حاکم است، به منظور اتخاذ سیاست خارجی مجبور به عبور از لایه هویتی خرد بوده و رویکرد ملی اتخاذ می‌نمایند. بنابراین سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که منفعت جمعی و رویکرد ملی آن را تعریف و تعیین می‌کند. حتی در شرایط

به اصطلاح «دهکده جهانی» و «جهانی شده» که شبکه پیچیده از روابط بین‌المللی را شاهد هستیم و لایه‌های هویتی رقیب و فراملی در حال شکل‌گیری است، آنچه مبنای تعریف خود از دیگران در عرصه بین‌المللی می‌باشد، کماکان هویت ملی است و رفتار ترامپ در مقام ریاست جمهوری آمریکا و پدیده جدا شدن انگلستان از اتحادیه اروپا، شاهدی بر این مدعا است.

نظریه‌پردازان حوزه سیاست خارجی معتقدند که کسب منافع ملی هدف اساسی و تعیین‌کننده‌ای نهایی است که راهنمای تصمیم‌گیران یک کشور در خط‌مشی‌گذاری می‌باشد. این مفهوم متشکل از آن دسته عناصری است که حیاتی‌ترین نیازهای یک کشور را شامل می‌شوند. این عناصر عبارتند از: حفظ خود و تأمین بقاء، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و رفاه اقتصادی (Frankel, ۱۹۷۰: ۲۴۶). در یک واحد ملی فهم منافع ملی و اجماع پیرامون آن در میان تصمیم‌گیران موجب شکل‌گیری سیاستی یک دست و منسجم می‌شود و اضلاع گوناگون حاکمیت در صدد تحقق آن است و بالعکس عدم وجود تعریف شفاف و روشن در میان تصمیم‌گیران و اجماع نسبی حول تصویر از منافع ملی، تشتت و ناهماهنگی بسیاری را در درون حاکمیت پیرامون تصمیمات کلان و اساسی منجر خواهد شد. در دولت‌های ملی سیاست خارجی، یک ستاره راهنمای درخشان دارد و آن منافع ملی است. منافع ملی راهنمای تعیین و اولویت‌بندی اهداف ملی است. سیاست خارجی موفق آن است که در این ارتباط هرچه بیشتر منافع ملی دولت ذی‌ربط را تأمین کند و رسالت و مأموریت دیگری ندارد (نخعی، ۱۳۷۴: ۸).

اما مسئله آن‌جاست که مفهوم منافع ملی در ادبیات ایرانی و میان‌نخبگان سیاسی و اجتماعی ایران مفهومی شفاف و روشن نیست و ایرانیان به سبب لایه‌های هویتی متعدد، زمینه‌های ذهنی چند لایه، سنن پیچیده اجتماعی سنتی و سابقه طولانی تاریخی و تمدنی، تصویر شفاف از ملیت و منافع ملی ارائه نمی‌دهند. این ابهام زمانی دو چندان می‌گردد که در عرصه سیاست خارجی و در تعامل با طرف مقابل که دارای ملیت بیگانه و متفاوت است باشد، تعریف گردد. به زعم برخی پژوهشگران ضعف تاریخی، آگاهی ملی و احساس ملیت در ایرانیان (بی‌نا، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۳)، سابقه تاریخی طولانی، خودسامانی محلی و عدم تمرکز در اداره امور مملکت، سابقه حاکمیت رژیم‌های استبداد مشرب و تجربه فضای منقبض (Krasner, ۱۹۷۸: ۴۳۹-۴۳۰)، فقدان تجربه تاریخی نهادهای ملی و ناهمخوانی الگوی به عاریت گرفته از غرب، با بستر استبدادی جامعه ایران (آجودانی، ۱۳۷۶: ۱۳-۱۴) و رخداد پیچیدگی‌های هویتی بعد از ورود غرب و زمینه‌های فرهنگی آن، از جمله عواملی بودند که مانع از شکل‌گیری هویت ملی در ایران قبل از انقلاب اسلامی گردید. این دشواری در فهم از مفهوم ملیت و به تبع آن منافع ملی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی به سبب تأکید بسیار جدی‌تر بر مبانی اسلامی و حضور اجتماعی دین، دو چندان گردید.

همان‌طور که اشاره شد در دولت‌های ملی، عناصر متشکله ملیت، راهنمای سیاست خارجی هستند و بر اساس آن داخل و خارج مشخص و سیاست‌های مورد نظر جهت تأمین منافع ملی اتخاذ می‌گردد، اما در دولت‌های ایدئولوژیک که گذشته تاریخی بشر بسیاری از آنان را تجربه کرده است، مبانی ایدئولوژیک داخل و خارج را تعریف کرده و شکل‌دهنده و مرز سیاست خارجی و داخلی بوده است. بنابراین در دولت‌های کاملاً ملی و در دولت‌های کاملاً ایدئولوژیک مرز و حیطه عمل سیاست داخلی و خارجی و مفهوم منافع ملی، شفاف به نظر می‌رسد. حال اگر در دنیای دولت - ملت‌ها، کشوری ایدئولوژیک شکل گیرد، داخل و خارج چگونه تعریف می‌گردد، مرز سیاست داخلی و خارجی کدام است و چه مفاهیم و مبانی‌ای منافع ملی را تعریف خواهند کرد؟ آیا مفهوم منفعت ملی معنا دارد یا باید به دنبال تأمین منافع ایدئولوژیک بود؟ روشن و مسلم است که تعریف و تبیین نسبت میان منافع ملی و مبانی ایدئولوژیک در موارد گوناگون تابعی از تلقی و تعریف سیاست‌گذاران از مفهوم «منافع ملی» از یک سو و جایگاه «مبانی ایدئولوژیک» در سازه فکری ایشان، از سوی دیگر است.

سیاست خارجی دولت‌ها از دو دسته عوامل متأثر است: عواملی که به ساختار داخلی آن‌ها مرتبط است، این عوامل شامل می‌شود بر موقعیت جغرافیایی، ترکیب قومی و مذهبی، تجربه تاریخی، ویژگی سیستم‌های سیاسی و نخبگان آنان، منابع طبیعی، شرایط اقتصادی، توان نظامی، توانمندی‌ها و نیازهای تکنولوژیکی و تمایلات ایدئولوژیکی. دسته دوم عواملی که به تحولات خارجی مرتبط هستند که شامل سیستم سیاست بین‌المللی و زیرسیستم‌های منطقه‌ای‌اش می‌شود (Hunter, ۲۰۱۰: ۱۰). فهم تمایلات ایدئولوژیک سیاست‌گذاران و درک نسبت آن با دیگر عوامل داخلی شکل‌دهنده سیاست خارجی، ترسیم‌کننده عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حوادث و تحولات بسیاری در سطوح گوناگون ملی و بین‌المللی رخ داده است که ضرورت تعریف منافع ملی و نسبت آن با مبانی اسلامی را روشن ساخته است. شعارهای ضد استعماری دانشجویان خط امام و عملکرد ایشان در تسخیر لانه جاسوسی در تهران و تضاد آن با سیاست خارجی دولت موقت که رویکرد ملی - مذهبی داشت، ناهمخوانی فهم نسبت ایران و اسلام میان دولتمردان دولت موقت و امام خمینی (ره)، «آرمان راه قدس از کربلا می‌گذرد» و تصمیمات منتهی به پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تعبیر جام زهر امام خمینی (ره)، تراحم توسعه و طی نمودن مسیر مدرنیته و آرمان عدالت در دوران سازندگی و طراحی الگوی سیاست خارجی واقع‌گرا در برابر سیاست خارجی آرمان‌گرا، تضاد تساهل و تسامح سیاسی - فکری و رفق و مدارای اسلامی در دوره اصلاحات، شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» در حوادث فتنه ۸۸، مذاکره با آمریکا و آرمان استکبارستیزی اسلامی در شرایط فعلی، نقش‌آفرینی منطقه‌ای جمهوری اسلامی در جبهه

مقاومت و تزاخم ظاهری با رویکردهای به اصطلاح ملی، نمونه‌هایی هستند که ظاهراً نمایانگر نوعی تزاخم و یا تضاد میان منافع ملی و تعالیم اسلامی است و یا بیانگر نبود فهم واحد از نسبت میان آن دو در بین تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی است و لزوم تبیین نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی را به خصوص در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی نشان می‌دهند.

تشکیل حکومتی اسلامی و بر اساس قانون اساسی دینی که در مجلس خبرگان قانون اساسی تدوین شده است، تجربه نوینی از حضور اجتماعی دین در دوره دولت - ملت‌هاست. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و در ادامه تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، حضور اجتماعی و سیاسی دین در عصر معاصر را منجر گردید و تلاش هفت قرنه غرب را در نسبت دین و سیاست مورد نقد جدی قرار داد. نسبت و رابطه دین و سیاست به عنوان سنگ بنای مباحث حکومت اسلامی است (قاضی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹) و مسئله مورد بحث یعنی نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی، زیرمجموعه موضوع کلان نسبت دین و سیاست قرار می‌گیرد و خلأ تئوریک در این زمینه، مبنای توجیه ضرورت پرداخت به این مسئله است. تلازم سیاست و دین در جمهوری اسلامی آن هم با رویکردی حداکثری شکل‌دهنده نوعی از سیاست خارجی است که حاکمیت مبانی و تعالیم اسلامی را بیانگر است، لکن این روح حاکم و تعامل آن در شکل‌دهی سیاست‌های کلان در جمهوری اسلامی چهره‌ای شفاف و روشن ندارد و رابطه آن با دیگر لایه‌های هویتی ایرانیان از جمله ایرانییت و ملزومات زندگی در عصر مدرن، گاهی دچار ابهام می‌گردد.

در رابطه بین منافع ملی و مبانی اسلامی و چگونگی ارتباط این دو، پاسخ‌هایی از سوی پژوهشگران داده شده است که می‌توان آنان را در سه رویکرد کلی تعارض، تزاخم و تطابق دسته‌بندی نمود. نظریه‌پردازان معتقد به تعارض، از آشتی‌ناپذیری میان منافع ملی و تعالیم دینی سخن می‌گویند و تأمین یکی از آن دو را به معنای نادیده گرفتن دیگری می‌دانند. طرفداران رویکرد تزاخم، از اصطلاحاتی سخن می‌گویند که جمع میان منافع ملی و مبانی اسلامی را دشوار می‌کند. محققانی که باور به تطابق میان منافع ملی دارند بر اساس رویکردی دین‌مدارانه از عدم تعارض و تزاخم آن دو و بلکه معتقد به هماهنگی و هم‌افزایی مبانی و تعالیم دینی در تأمین منافع ملی هستند. آنچه در این پژوهش مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد، بررسی رویکردهای فوق در منظری بومی و دینی و با تأکید بر اندیشه قرآنی و فقهی است. بعد از بررسی نظری نسبت منافع ملی و مبانی و تعالیم اسلام به ویژه مبانی قرآنی و فقه امامیه، به بررسی نسبت عملی میان منافع ملی و مبانی اسلامی در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد که می‌تواند آن را بخشی شاخص در این پژوهش دانست، چرا که تلاش شد میان نظر و عمل رفت و برگشتی داشته باشیم و از مطالعات تئوریک صرف، فاصله بگیریم و در نهایت بر اساس چارچوب مفهومی و نظری‌ای که در نسبت‌یابی میان منافع ملی و مبانی اسلامی به دست آمده است، الگوی مطلوب ارائه خواهد شد.

## پیشگفتار □ ۲۳

در پایان بر خود لازم می‌دانم ضمن گرامیداشت یاد حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره)، از راهنمایی اساتید محترم جناب آقای دکتر محمدحسن خانی، دکتر اصغر افتخاری، حجت الاسلام دکتر سید علی حسینی و جناب آقای دکتر ابوذر گوهری مقدم تشکر نمایم. همچنین از تمامی مدیران عرصه‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در فصل مصاحبه به صورت کامل اسامی ایشان ذکر شده است، کمال تشکر را دارم که بخشی از تجربه میدانی خویش را در اختیار بنده گذاشتند.

امیدوارم این اثر گامی مؤثر ولو مختصر در تولید دانش بومی سیاست در تناسب با مبانی الهی جمهوری اسلامی ایران باشد.

حسین محمدی سیرت

زمستان ۱۳۹۸



# فصل اول: کلیات

---

## مقدمه

مسیر طی شده قابل توجهی در مفهوم‌شناسی و مفهوم‌سازی «منافع ملی» در علم سیاست خارجی طی شده است که البته در هژمونی ادبیات علوم انسانی رایج پرورش یافته است و لاجرم برای گفتن از منافع ملی باید مسیر طی شده و رویکردهای موجود را به خوبی تحلیل و دسته‌بندی نمود و به همین دلیل در ابتدای این فصل سابقه پژوهشی موجود در این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا نسبت خود با دانش تولید شده در این فرع دانشی را مشخص نماییم. آثار بسیاری در این زمینه تولید شده است که آنچه از وجه ممیزه این پژوهش از دیگر آثار این عرصه می‌باشد، پیوند چهار حوزه مطالعات سیاست خارجی، مطالعات مسائل ایران، مطالعات علوم اسلامی، مطالعات منافع ملی، شکل می‌گیرد و رویکردی میان‌رشته‌ای به خویش خواهد گرفت.

پس از بررسی سابقه علمی این حوزه، لازم است چارچوب روشی و نظری مختار و مورد نظر خود را برگزینیم و پژوهش را انسجام بخشیم و روشمندی متن را برای خواننده مشخص کنیم که بر این اساس در بخش روش تحلیل و روش تحقیق بدان پرداخته می‌شود و سازمان پژوهش را مشخص می‌کند. البته در منظری نوین، سه حوزه روش تحقیق، روش گردآوری و روش تحلیل به تفکیک بیان و منظر مورد نظر خود را بیان خواهیم کرد.

## ۱. بررسی دیدگاه‌ها

کتاب‌ها، مقالات و حتی پایان‌نامه‌های دانشگاهی قابل توجهی در موضوع کلان منافع ملی تولید شده است، اما با این حال، تا آن‌جا که این منابع در دسترس و مورد جستجوی نگارنده بوده‌اند،

رویکرد مورد نظر این پژوهش در زمینه «نسبت منافع ملی و الگوی اسلامی طراحی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» متفاوت بوده و در این مقایسه به مبانی اسلامی و به خصوص قرآن و فقه توجه کافی نشده است و از سویی دیگر روند تاریخی، تجربه عملی و دریافت مدیران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مطالعه‌ای مستقیم و بلاواسطه مورد توجه قرار نگرفته است.

به‌طور کلی، آثار متنوع چاپ شده پیرامون نسبت منافع ملی و سیاست خارجی، که مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، در چهار دسته کلی قابل تقسیم‌بندی هستند: **دسته اول**، آثاری هستند که در حوزه مطالعات «منافع ملی» صورت گرفته و تمرکز اصلی ایشان بر منفعت ملی است. این دسته از آثار تلاش دارند از دریچه مفهومی منفعت ملی بر اساس نظریه «دولت - ملت» و یا از منظر اسلامی، به تبیین دیگر مفاهیم اجتماعی و سیاسی و عرصه‌های سیاست بپردازند. از جمله موضوعاتی که در تعداد قابل‌توجهی از این آثار مطالعه شده است، تمرکز بر تحولات مفهوم منفعت ملی در ایران و به خصوص در دوران جمهوری اسلامی است. به چند نمونه از این آثار اشاره می‌شود:

۱. کتاب «دولت - ملت‌سازی و منافع ملی در ایران معاصر» به قلم سید علیرضا ازغندی و خانم اعظم ملایی از جمله منابعی است که با رویکردی تاریخی به بررسی منافع ملی و نقش آن در شکل‌دهی سیاست داخلی و خارجی ایران پرداخته است. این اثر از منظر دولت‌های ملی و غلبه هویت‌های ملی به مطالعه منافع ملی در ایران معاصر توجه نموده است و رویکردی توصیفی دارد و از منظر تعالیم اسلامی دارای نواقص نظری است و نویسندگان در تعریف مفهوم منفعت و منافع ملی از الگوی دولت - ملت در نظام معنایی مادی‌گرا بهره برده و نتیجه گرفته‌اند که «گفتمان عدالت‌محور انقلاب اسلامی و نحوه تعامل ایران با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تضييع منافع ملی ایران را منجر شده است». روشن است که در چارچوب مادی‌گرایی منفعت‌محور، عدالت‌محوری جهانی و اتخاذ رویکردهای ایدئولوژیک مناسبی با منفعت ملت ندارد. نویسندگان در تعریف شاخصه‌های دولت - ملت‌سازی مبانی مشروعیت‌ساز بومی و سنتی چون مذهب تشیع و اسلام را نادیده گرفته و به سه شاخصه رایج اشباع سرزمینی، همبستگی و یکپارچگی ملی و ثبات سیاسی اشاره داشته‌اند (ازغندی، ۱۳۹۳).

۲. کتاب «مبانی نظری منافع ملی» منافع ملی را این‌گونه تعریف می‌کند: «منافع ملی حاصل درک و برداشت کلی از عناصری است که حیاتی‌ترین نیازهای کشور را تشکیل می‌دهد». فرهنگ، برخی از مصادیق منافع ملی را در ارزش‌هایی نظیر استقلال، امنیت نظامی، رفاه اقتصادی، اعتبار ملی و... تعریف می‌نماید. نگارندگان در این کتاب نخست ضمن بیان تعریفی از منافع ملی، مسائل مربوط به پدیده قدرت در جامعه را با تأکید بر جایگاه قدرت نظامی، روابط بخش نظامی و

غیرنظامی، و آموزه‌ها و راهبردهایی مربوط به منافع و امنیت ملی تشریح کرده است. آن‌گاه اطلاعات لازم به منظور شناخت منافع، اهداف، سیاست‌ها و افزایش قدرت تجزیه و تحلیل و اتخاذ تصمیم در مسائل ملی و بین‌المللی را عرضه کرده و در پایان نیز به بررسی محیط ملی و بین‌المللی و تعیین اهداف ملی در نگهداری و افزایش منافع ملی پرداخته است (علی بخشی، ۱۳۸۸). این کتاب در تعریف مفاهیمی اساسی مورد بحث در این پژوهش از جمله منفعت، ملیت، مرز از ادبیات رایج در علوم انسانی بهره برده است و نگاهی به تعاریف بومی و یا غیرمادی از مفهوم منفعت ندارد و کنش‌گری نظام سیاسی دولت را در واحدهایی چون مرز تعریف نموده است. لکن به نظر می‌رسد صرف تبیین منفعت ملی در چارچوب مذکور، پذیرش فلسفه سیاسی است که در نظام معنایی خاص خود را داراست و با اعتباربخشی بر مفاهیمی چون مرز و ملیت شکل گرفته است. این اندیشه و مبنای نظری فوق در بسیاری از ابعاد تصویر غیرهمسان از منفعت جمعی و تعاونی و نه صرفاً ملی در فلسفه سیاسی اسلام ارائه می‌دهد.

۳. کتاب «منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» به کوشش داود کیانی مجموعه‌ای از شش مقاله است که به منظور تبیین منافع ملی در ایران نگاشته شده‌اند و عناوین آن‌ها بدین‌قرار است: «انسان ایرانی و منافع ملی؛ تأملی دیرینه‌شناختی/تبارشناختی»، «مصلحت و منفعت؛ جمع بین مصالح دینی و منافع ملی در الگوی حکومت جمهوری اسلامی»، «منابع ملی و مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «تجربه رقابت سیاسی و منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران» و «نقش رسانه‌ها در فرایند شکل‌گیری منافع ملی» (کیانی، ۱۳۸۶). این مقالات در مجموع تصویری از مفهوم منافع ملی در جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهد. این کتاب به سه حوزه دغدغه پژوهش فعلی توجه دارد یعنی حوزه ایران، سیاست خارجی و مبانی اسلام، لکن به اقتضای ظرفیتی که در اختیار داشته است به این مقولات پرداخته و طبیعی است که انسجام موضوعی مدنظر پژوهش حاضر را برخوردار نباشد. تعریف منفعت ملی در قالب دولت - ملت‌های مدرن، عدم توجه به سیر تحولات نسبت منفعت ملی و مبانی ایدئولوژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نداشتن تعریفی روشن از مفهوم منفعت در رویکردی اسلامی و منظری قرآنی و فقهی، عدم توجه به نقش کارگزاران سیاست خارجی در تعریف منفعت ملی، از جمله خلأهایی است که باید بدان پرداخت.

۴. هادی شجاعی در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ایده منافع ملی در اندیشه سیاسی اسلام» به نقد و بررسی این مفهوم در چارچوب اندیشه سیاسی اسلام پرداخته است. به عقیده وی روابط بین‌الملل کلاسیک منافع ملی را هدایت‌کننده سیاست خارجی کشورها می‌داند و این ایده به علت ریشه داشتن در فلسفه سیاسی هابز و نظریه دولت - ملت، متضمن اصول و مقتضای کنش خاصی در

سیاست خارجی است. اصالت مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی کشورها موجب نهادینه شدن یک فردگرایی کلان در روابط واحدهای سیاسی و تشدید غیریت‌سازی و دشمن‌انگاری در تعاملات روزمره جهانی و هدایت حیات جمعی انسان به سمت تشکیل جزیره‌های جدای از هم و در نتیجه بی‌توجهی به سعادت یکدیگر می‌شود. نویسنده این مقاله تلاش دارد با نقد و بررسی ایده منافع ملی در ساحت اندیشه سیاسی اسلامی، اثبات نماید که مفهوم منافع ملی، چه به لحاظ ارکان و اجزای آن و چه از جهت غایت و کارویژه‌اش، دارای تمایز بنیادین با اندیشه سیاسی اسلامی است و بر این اساس مبانی اندیشه دینی مبتنی رویکردی به مفهوم منافع در صورت‌بندی سیاست خارجی است که می‌توان آن را منافع انسانی نامید (شجاعی، ۱۳۹۲).

بهره‌مندی اثر پیش‌گفته از منظری بومی و دینی و تلاش در نقد گفتمان حاکم منفعت ملی وجه‌مشتراکی است که می‌توان از آن بهره برد. لکن مشرب آقای شجاعی، مشربی فلسفی است و تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی و با واکاوی فلسفه سیاسی اسلامی، بنیان‌های نظری منافع حکومت اسلامی را تجزیه و تحلیل کند و در نتیجه توجهی به حوزه مطالعات قرآنی و فقه سیاسی ندارد و از منظری فلسفی استفاده می‌کند. از سوئی دیگر، روشن است که عدم توجه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نداشتن رویکردی تاریخی و تجربه‌نگارانه، پژوهش مذکور را متمایز از تلاش حاضر می‌نماید.

۵. دکتر محمدرضا تاجیک در مقاله‌ای با عنوان «منافع ملی ما کدامند؟» ضمن بررسی ابهام در مفهوم منافع ملی، تلاش می‌کند دیدگاه و تعاریف موجود در اندیشه سیاسی موجود را جمع‌بندی نماید و تعاریف نسبتاً روشنی ارائه دهد، لکن در جمع‌بندی نسبی‌گرایانه، منافع ملی را امری نسبی و نه‌چندان روشن تعریف نموده است که نمی‌تواند معیاری ثابت برای طراحی سیاست خارجی ارائه دهد. نویسنده به تاریخچه مفهوم منافع ملی در ایران توجه می‌کند و تلاش دارد ریشه مشکلات نبود رویکرد منفعت‌گرایانه ملی را در تاریخ سیاسی معاصر مورد مطالعه قرار دهد. دکتر تاجیک در نهایت محورهای سیزده‌گانه‌ای را جهت سامان‌دهی مفهوم منافع ملی در ایران پیشنهاد می‌دهد که برخی از این محورها عبارتند از: اسلامیت نظام، جمهوریت نظام، تمامیت ارضی، وحدت ملی، معیشت ضروری مردم، استقلال سیاسی و تعمیم عدالت و رفاه جامعه (تاجیک، ۱۳۸۰).

روشن است که رویکرد نسبی‌گرایانه مقاله مذکور محل نقد و دقت است، که البته نویسنده محترم هم به این رویکرد چندان وفادار نیست و در نهایت مجبور به ارائه محورهایی جهت روشن شدن مفهوم منفعت ملی ایرانی می‌گردد. خط سیر تاریخی مقاله مذکور و موانع شکل‌گیری رویکردهای ملی در این مقاله راهگشای پژوهش حاضر خواهد بود؛ البته رویکرد تاریخی مقاله متمرکز بر دوران قبل از انقلاب اسلامی است و نویسنده کمتر به مسائل سیاست خارجی توجه نموده است و نسبت منفعت ملی و مبانی اسلامی نیز در مقاله مذکور مطرح نشده است.

۶. دکتر محمد خوش‌چهره در مقاله «منافع ملی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر حقوق اساسی ایران» به بررسی رابطه منافع ملی و الگوی اسلامی ایران در چارچوب قانون اساسی پرداخته است. به عقیده نویسندگان این مقاله آیات و روایات، ماهیت منافع ملی را در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی روشن کرده است و باید آن را در چارچوب سیاست‌گذاری‌های نظام در عرصه سیاست خارجی عملیاتی نمود. این مقاله با رویکردی واقع‌بینانه و در عین حال آرمان‌گرایانه، در پی نشان دادن آرمان‌ها و واقعیت‌های عرصه بین‌المللی، انسان و جامعه، در پیگیری و دستیابی به منافع ملی است. این نوشتار با روش تحلیل محتوای حقوقی و با استفاده از قانون اساسی و بیانات مقام معظم رهبری، برای فهم منافع ملی در الگوی پیش‌گفته تلاش کرده است (خوش‌چهره، ۱۳۹۳). قلمرو مقاله حوزه حقوق اساسی ایران است و رویکرد سیاست خارجی و نسبت‌سنجی میان منافع ملی و مبانی اسلامی را مورد توجه ندارد. از سویی دیگر مطالعه مذکور رویکردی تاریخی نداشته و تلاش برای توصیف وضعیت و فهم و درک منافع ملی در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ندارد.

۷. خسرو قبادی در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت‌ها و بایسته‌های منافع ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، این‌گونه بیان می‌دارد که، لازمه بقای دولت‌ها و ادامه حیات آنان منوط به سازگاری ایشان در عرصه داخلی و خارجی است. البته سازگاری به معنای عملکرد منفعلانه نیست، بلکه باید با رویکردی فعال حرکت کرد که یکی از ابزارهای عملکرد فعال منافع ملی است. به عقیده نویسنده ساختار تحلیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای دو معیار متناسب است و اهداف ایدئولوژیک همسو با منافع ملی در یک مجموعه واحد قرار می‌گیرند و این همان ایده‌ای است که جمهوری اسلامی در عصر حاضر به دنبال عملیاتی کردن آن است (قبادی، ۱۳۸۴). هر چند نویسنده تلاش کرده است که رویکردهای مخالف و منتقد مفهوم منافع ملی را مورد توجه قرار دهد لکن زمینه طرح بحث را تغییر نداده و از ادبیات غیربومی و غیردینی برای نقد تلقی رایج منافع ملی استفاده کرده است و از منظر نوکارکردگرایان و از منطلق همگرایی فراملی سخن گفته است. در مقاله مذکور قرآن کریم، فقه و مبانی اسلامی در تعریف مفهوم منافع ملی مورد توجه نبوده است و رویکردهای منتقد نیز در منظومه فلسفه سیاسی غرب قرار دارد. عدم توجه ویژه به حوزه سیاست خارجی و عدم مطالعه تاریخی و مستقیم عملکرد کارگزاران عرصه سیاست خارجی و عدم تلاش در ارائه الگوی مطلوب از جمله تمایزات پژوهش حاضر و مقاله آقای قبادی است.

۸. آقای پرویز دلیرپور در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود که در دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر تحول ماهیت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» دفاع شده است، با رویکرد و تعریف عملیاتی از منافع ملی تلاش دارد تحول این ماهیت را به سبب عوامل خارجی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی کند. نویسنده معتقد است لزوم بقا و

حفظ جمهوری اسلامی که نظامی ایدئولوژیک و ارزشی در میان دیگر نظام‌هاست و نیز ملاحظات مربوط به قدرت، موجب تحول رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی گردیده است و این تحول، متناسب تبدیل شدن ایران به قدرتی منطقه‌ای است. این پایان‌نامه در چارچوب اندیشه‌ای قالب، نویسندگان تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحول رویکرد آرمان‌گرایانه به واقع‌گرایانه را مورد قبول و توجه قرار داده و تلاش دارد چرایی این تحول را در تحول مفهوم منافع ملی مورد بررسی قرار دهد (دلیرپور، ۱۳۷۶).

توجه به منفعت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله مشترکات اصلی پایان‌نامه مذکور و پژوهش حاضر است. لکن روش مطالعه تاریخی نویسنده، بهره‌گیری از مطالعات کیفی و مصاحبه مستقیم نیست و نویسنده محترم در مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و بدون تمرکز بر کارگزاران به نسبت‌سنجی تأثیرات بین‌المللی بر مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی ایران نموده است و رویکردی درونی‌گرا نداشته بلکه در رویکردی برون‌گرا، تمرکز خویش را بر بررسی تأثیرات متقابل بیرونی گذاشته است. رویکرد پایان‌نامه توصیفی است و تلاشی برای ارائه الگوی مطلوب ندارد.

۹. کامران آقایی و افشین مرعشی در کتابی با عنوان «بازاندیشی ناسیونالیسم و مدرنیته ایرانی» به مطالعه مفهوم ملی‌گرایی در ایران مدرن پرداخته‌اند و در برخی فصول به نسبت میان ملی‌گرایی و اسلام در ایران توجه کرده‌اند. نویسندگان معتقدند که توجه به رویکردهای ملی‌گرا در ایران منجر به تقویت اندیشه سکولاریسم گردیده است. ایشان معتقدند که در طول سال‌های پس از انقلاب تنش جدی میان ملی‌گرایی و ایدئولوژی رخ داده است و این نه به خاطر آن است که در دنیا تجربه‌ای از حضور ایدئولوژی در کنار ملیت وجود ندارد، بلکه نوع و نقش ایدئولوژی در ایران است که تنش را منجر شده است (Aghaei, 2014) و این اثر همچون بسیاری از آثار منتشر شده در خارج از ایران، از فقدان منابع درونی و مستقیم رنج می‌برد. رویکرد نقادانه تند و سوگیرانه اثر نیز موجب شده است کتاب مذکور تا حد بسیاری رنگ و بوی ژورنالیستی به خود بگیرد و اصالت علمی لازم را برخوردار نباشد.

دسته دوم، آثاری هستند که بر مطالعات سیاست خارجی و به خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متمرکز هستند و در کنار تبیین سیاست خارجی و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری آن، به مطالعه منافع ملی و جایگاه و نقش منافع ملی در سیاست خارجی پرداخته‌اند.

۱. نویسنده کتاب «منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در کتاب خود با مروری اجمالی بر مفهوم نظری منافع ملی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس اصل منافع کلی در قالب پرسش‌هایی ارزیابی و تحلیل کرده است. نویسنده ابتدا به بررسی مفهومی «منافع ملی» پرداخته و دیدگاه‌های گوناگون را در این امر بررسی کرده است. مقصود رنجبر ابتدا به بررسی مفهومی «منافع ملی» می‌پردازد و سه رویکرد واقع‌گرایان ذهنی‌گرایان،

واقع‌گرایان عینی‌گرا و واقع‌گرایان مخالف منافع ملی را بررسی می‌کند و در نهایت به نقد منتقدین منافع ملی می‌پردازد. در ادامه و در مطالعه‌ای تاریخی، ابتدا به بررسی مفهوم منافع ملی در دولت‌های ایدئولوژیک می‌پردازد و روند تعریف منافع ملی را در سه دهه مورد بررسی قرار می‌دهد. سرگذشت منافع ملی از نظر وی بدین‌گونه است: دهه اول انقلاب اسلامی و رویکرد فراملی، دهه دوم و طرح اندیشه منافع ملی، و در نهایت منافع ملی در شرایط نوین سیاست خارجی ایران. نویسنده در مطالعه‌ای جریان‌شناختی، مفهوم منافع ملی را در جریان‌های فکری و سیاسی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و جریان راست و چپ سنتی، کارگزاران و چپ جدید را بررسی می‌کند. نویسنده در ادامه ظرفیت قانون اساسی و منفعت ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت این‌گونه نتیجه می‌گیرد که جمهوری اسلامی تنها در صورتی خواهد توانست به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد که بتواند امکانات و منابع خود را حفظ و گسترش داده و بر قدرت و ثروت ملی خود بیافزاید. در غیر این صورت نه تنها هیچ آرمانی تحقق نخواهد یافت، بلکه ثبات سیاسی، مشروعیت و بقای آن در معرض تهدیدهای جدی خواهد بود.

به نظر می‌رسد نویسنده این اثر مانند بسیاری از آثار تولید شده در این حوزه، مفهوم منفعت ملی را از چارچوب رایج دولت - ملت مدرن به عاریت گرفته و تلاش دارد در حوزه نظری، آن مفهوم را در فضای جمهوری اسلامی توسعه دهد، که البته این غفلت نظری حتماً منجر به ارزیابی نادرست از وضعیت منافع ملی در ایران و تجویز نامتناسب خواهد شد. قضاوت تاریخی نویسنده نسبت به دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در همین چارچوب شکل گرفته و از همین نقص تئوریک رنج می‌برد. تلاش پژوهش حاضر این است که با انتخاب نظام معنایی دقیق‌تر اولاً مفهوم منفعت ملی را در چارچوب فکری جمهوری اسلامی فهم کرده و سپس خط سیر تاریخی آن را در عمل مورد بررسی و مطالعه قرار دهد (رنجبر، ۱۳۸۲).

۲. احمد معنوی در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بستر منافع ملی (با نگاهی بر روابط ایران و عربستان)» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار داده و به دنبال آن است که اصول و اهداف سیاست خارجی ایران را با نگاه به قانون اساسی استخراج کرده و به مسئله منافع ملی و عملکرد سیاست خارجی پرداخته و آن‌ها را مقایسه نماید. سپس با استفاده از این اصول به اهمیت منافع ملی اشاره نموده و ضرورت توجه به آن را در سیاست خارجی مد نظر قرار داده است (معنوی، ۱۳۸۷). محدوده و حوزه تمرکز کتاب مذکور بیش از آن‌که به مبانی نظری مفهوم منافع ملی متمرکز باشد، تلاش دارد در قالب یک مطالعه موردی، عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از دریچه منفعت ملی در تعامل با کشور عربستان سعودی مورد بررسی قرار دهد. حوزه مبانی نظری محدود، عدم پرداخت جدی به جایگاه مبانی اسلامی در سیاست خارجی و عدم توجه به نقش کارگزاران سیاست

خارجی، از جمله نقاط تمایز اثر مذکور و پژوهش حاضر است.

۳. در مقاله «مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به قلم دکتر فرهاد درویشی، مفهوم «منافع ملی» و ارتباط آن با مفهوم «مصالح اسلامی» در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به صورت عام، و سیاست خارجی دولت آقای خاتمی به صورت خاص؛ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. نویسنده معتقد است به دلیل ارزشی بودن مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد که بررسی آن با برداشتی خردگرایانه از روابط بین‌الملل (نئورئالیسم و نتولیبرالیسم) نمی‌تواند ما را به نتیجه مطلوب راهنمایی نماید. بنابراین با مفروض گرفتن آشنایی خواننده با مبانی نظریه سازه‌انگاری، و نقشی که این نظریه برای هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌های مختلف در به وجود آمدن «منافع» قائل است؛ سعی کرده است تا منافع ملی دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی از منظری سازه‌انگارانه مورد بررسی قرار دهد. نویسنده معتقد است بازتعریف ارزشی و هویتی ایرانیت، اسلامیت، انقلاب اسلامی و نیز حاکمیت مردم‌سالاری دینی در اندیشه خاتمی، در نهایت به تعریف مجدد مفهوم منافع ملی جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری وی منجر گردید (درویشی، ۱۳۸۷).

توجه به لایه‌های هویتی بومی در تعریف منافع ملی و بهره بردن از چارچوب نظری سازه‌انگارانه از جمله مشترکات مقاله مذکور و پژوهش حاضر می‌باشد. لکن نویسنده در تعریف لایه هویتی و تقدم و تأخر آنان رویکردی ملی‌گرا و لیبرالیستی را مقدم دانسته که محل نقد و بررسی است. حوزه تاریخی مقاله محدود به دولت اصلاحات است که قاعدتاً محدود است و در این پژوهش قصد توسعه آن را داریم. ضعف تئوریک مقاله در تعریف منفعت ملی در چارچوب دولت دینی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۴. آقای بهمن قولی‌پور در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» که در دانشگاه تبریز دفاع شده است، به بررسی تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب، دوران سازندگی و اصلاحات پرداخته و تلاش دارد مسیر سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب را نسبت به مفهوم منافع ملی بررسی نماید. وی به تبع ادبیات رایج در بین نویسندگان تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دهه اول را سیاست خارجی آرمان‌گرا، دوران سازندگی را سیاست خارجی میانه‌رو و دوران اصلاحات را سیاست خارجی تنش‌زدا می‌نامد (قولی‌پور، ۱۳۸۹).

مطالعه تاریخی اثر مذکور مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و غیرمستقیم است و این در صورتی است که تلاش می‌شود در این پژوهش با بهره‌گیری از روش مصاحبه عمیق از منظری دیگر به موضوع پرداخت و تأکیدی جدی بر نقش کارگزاران می‌شود. توجه به نقش هویت و بهره‌برداری از رویکرد سازه‌انگارانه از دیگر تفاوت‌های دو پژوهش خواهد بود. تبیین منفعت ملی در اندیشه اسلامی و به

خصوصاً از دریچه قرآنی و فقهی، تفاوت اساسی دیگر است.

۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی سیر تحول مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» و با هدف بررسی تحول مفهوم «منافع ملی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه این مفهوم در سیاست خارجی، برداشت گفتمان‌های حاکم از منافع ملی جمهوری اسلامی و در نهایت تأثیراتی که نوع برداشت‌های مختلف و متفاوت از این موضوع بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی داشته است، به قلم آقای محمد فردی تازه‌کند تدوین گردیده است. این پایان‌نامه به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بین عوامل مختلف، غلبه گفتمانی در هر دوره، عامل اصلی و اساسی در شکل‌گیری و تکوین نگرش‌ها نسبت به مفهوم منافع ملی در دولت‌های پس از انقلاب است. همچنین با وجود گذشت سه دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی، اجماع نظر دقیقی در خصوص منافع ملی جمهوری اسلامی و مصادیق آن وجود ندارد که از منظر سازه‌نگاری، این امر به دلیل تعارضات موجود در لایه‌های متعدد هویتی جمهوری اسلامی است و همین امر باعث شکل‌گیری گفتمان‌های منافع ملی جمهوری اسلامی گردیده است (فردی تازه‌کند، ۱۳۸۹).

عدم نسبت‌سنجی میان منافع ملی و مبانی اسلامی در لایه نظری و عملی از جمله خلأهایی است که در پژوهش آقای فردی تازه‌کند دیده می‌شود. نویسنده محترم همچون بسیاری از پژوهشگران سیاست خارجی در ایران، منافع ملی را در چارچوب نظری رایج دولت - ملت مطالعه نموده است و جایگاه مبانی اسلامی و از جمله قرآن و علم فقه سیاسی در نظر گرفته نشده است. مطالعه غیرمستقیم و کتابخانه‌ای رفتار سیاست خارجی روشی است که نویسنده محترم به کار بسته است که قاعدتاً تفاوتی اساسی با روش مصاحبه مستقیم و عمیق با تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی دارد.

۶. مقصود رنجبر در مقاله‌ای با عنوان «اهداف و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ابتدا مفهوم منافع ملی و متغیرهای مؤثر بر این مفهوم را مورد ارزیابی قرار گرفته می‌دهد. وی در ادامه منابع مؤثر بر شکل‌گیری اهداف سیاست خارجی از لحاظ نظری و نیز در مورد خاص، جمهوری اسلامی ایران، مورد مطالعه قرار گرفته داده است و سپس، با طرح دیدگاه‌های مختلف درباره اهداف سیاست خارجی کشور، عوامل و منابع مؤثر بر شکل‌گیری این اهداف را بررسی نموده است و با طرح سؤالاتی در زمینه قابلیت‌ها و توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به ارزیابی میزان انطباق این اهداف با توانایی‌ها و قابلیت‌های ملی پرداخته است (رنجبر، ۱۳۸۱).

۷. خانم الهام رسولی در مقاله‌ای تحت عنوان «هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی» تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که آیا هویت

شکل گرفته در نظام جمهوری اسلامی ایران در تمام الگو و گفتمان‌های گوناگون سیاست خارجی یکسان متبلور شده است یا خیر؟ نویسندگان نقش‌هایی را که دولت در گفتمان‌های مختلف در عرصه سیاست خارجی برای خود بر شمرده است را بررسی کرده است و معتقد است که دولت‌ها نسبتاً وظایف و مأموریت‌های یکسانی را برای خویش بر شمرده‌اند. به عقیده نویسنده ماهیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در الگوی سیاست خارجی دولت‌های گوناگون تقریباً یکسان بوده است (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰).

توجه به نقش ایدئولوژی و مکتب در دولت‌های بازیگر در عرصه سیاست خارجی و تأکید بر وجود یک نظام فکری و معنایی و هنجاری در تمامی بازیگران عرصه بین‌الملل، از جمله نقایطی است که رویکردی قابل استفاده در پژوهش حاضر را به دست می‌دهد. لکن نویسنده به نظام هویت کلان دولت‌ها توجه داشته است و از لایه‌های هویتی و فکری تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان سیاست خارجی غفلت کرده است. روشن است که واکاوی مفهومی منفعت ملی هدف پژوهش مذکور نیست و مطالعه‌ای تاریخی را مدنظر ندارد.

۸. نویسنده مقاله «بررسی و اسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی»، مدعی است که سیاست خارجی ایران به جهت ایدئولوژیک و دینی بودن نظام سیاسی ایران، ایدئولوژی محور است اما در کلان با دو رویکرد آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی نه در تضاد بوده و نه منطبق. دکتر شهروز ابراهیمی معتقد است که واسازی مفهوم منافع ملی، ایدئولوژی و سیاست خارجی در دو نظریه کلان سیاست خارجی نشان می‌دهد ایدئولوژی در سیاست خارجی بسیاری از کشورها نقشی حداقلی دارد لکن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقشی جدی دارد. نویسنده معتقد است که بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و به خصوص در برخی موارد خاص، گویای آن است که در بسیاری موارد سیاست خارجی ایران سیاست تغییر و یا عدم انطباق با منافع ملی را اتخاذ کرده است. وی سیاست خارجی ایران را یک استثنا معرفی می‌کند که در میانه دو نظریه فوق ترسیم و طراحی می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد تفکیک مادی آرمان از واقعیت و غیر واقع دیدن آرمان‌ها، منجر به آن شده است که نویسنده محترم نقش ایدئولوژی را در برخی موارد در تضاد با منافع ترسیم نماید. نظام معنایی و مبانی نظری مقاله در چارچوب اندیشه هابز و دولت - ملت ترسیم شده و روشن است که نمی‌تواند هنجارها و آرمان‌ها را واقعیت و تلاش در رسیدن به واقعیت‌های مطلوب را آرمانی فهم نکند. تفکیک انکاری واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی و تلقی حاکمیت یک پارادوکس میان این دو مفهوم، پذیرش رویکردی سکولاریستی و جداسازانه نسبت به باورها و عقاید و واقعیت‌های زندگی است.

۹. بیشتر آثاری که پیرامون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نسبت منافع ملی و مبانی

ایدئولوژیک در خارج از کشور کار شده است بر روی مسئله عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی تأکید دارند و سیاست خارجی ایران را از این منظر مورد بررسی قرار داده‌اند. دکتر روح‌الله رمضانی در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران» معتقد است که تنش میان ایدئولوژی و عمل‌گرایی از زمان‌های بسیار طولانی در تاریخ سیاسی ایران مطرح بوده است. نویسنده معتقد است بعد از انقلاب اسلامی رفته رفته ایدئولوژی جای خود را به عمل‌گرایی می‌دهد تا منافع ملی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی تأمین گردد. نمونه‌ای که تغییر رویکرد فوق را تأیید می‌کند تلاش‌ها برای برقراری رابطه با آمریکا به منظور تأمین منافع ملی است (Ramazani, 2004).

مبانی نظری متفاوت اصلی‌ترین تمایز پژوهش حاضر و پژوهش‌هایی نظیر مقاله دکتر رمضانی است. بیشتر این آثار در رویکردی واقع‌گرایانه در حوزه روابط بین‌الملل به تعریف منافع ملی پرداخته و با باور به آرمانی و غیرواقع‌نگرانه بودن ایدئولوژی، به بررسی نسبت منافع ملی و مبانی ایدئولوژیک می‌پردازند. مقالاتی از این دست بر ارزش‌های رئالیستی غربی توجه بسیار داشته و الزامات بومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در نظر نمی‌گیرند. مقاله دکتر رمضانی در مطالعه تاریخی سیاست خارجی ایران الگویی قابل بهره‌برداری است که البته محدودتر از حوزه مورد مطالعه در این پژوهش است، لکن از لحاظ چارچوب نظری و روشی رویکردی قابل توجه دارد.

۱۰. خانم باربارا ریفر در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست واقع‌گرایی اسلامی: سیاست خارجی دو سطحی ایران»، به بررسی سیاست خارجی و سیاست داخلی ایران پرداخته است. نویسنده معتقد است که سیاست داخلی ایران با توجه به اصول فکری حاکم در ایران تنظیم می‌شود و آمریکا و هم‌پیمانانش نمی‌توانند نسبت به تغییر و تعامل با آن حرکتی را انجام دهند. لکن سیاست خارجی ایران بر اساس منافع ملی در حال طرح‌ریزی است و از همین رو باید بر اساس منافع مشترک با ایران تعامل بین‌المللی برقرار کرد و نباید به تحولات و موضع‌گیری‌های داخلی از جمله در نماز جمعه و مانند آن توجه نمود (Rieffer, 2009).

۱۱. شیرین هانتز در کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران پس از شوروی» در بخشی از کتاب با رویکردی تاریخی به بررسی مسئله ملیت و ایدئولوژی می‌پردازد و تفاوت رویکردها در این زمینه را مطالعه می‌نماید. از جمله مواردی که نویسنده توجه جدی بدان دارد، مسئله تفاوت رویکرد و ایده امام خمینی (ره) و بازرگان در نسبت ناسیونالیسم و اسلام است. همچنین نویسنده تحت عنوان «ایدئولوژی و رویکرد جهانی» به مسئله می‌پردازد و نسبت ایدئولوژی و تعامل با دنیا را بررسی می‌کند (Hunter, 2010).

به نظر می‌رسد خانم هانتز تلاش دارد از رویکردهای واقع‌گرا و رئالیستی همچون مورگنتا فاصله گرفته به نقش ایدئولوژی و منافع ملی توجه نماید. لکن این توجه باز در چارچوب رایج اندیشه لیبرالیستی و لایه‌های هویتی متفاوتی شکل گرفته است. پژوهش حاضر نیز همچون کتاب